

رابطه معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی

The Relationship between Marital Adjustment and Relationship Standards

Hoda Barazandeh

M. A. in Clinical Psychology

Ali Sahebi, PhD

Ferdosi University
Sydney University

دکتر علی صاحبی

دانشگاه فردوسی
دانشگاه سیدنی

هدی برازنده

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

Amir Aminyazdi, PhD

Ferdosi University

Behrooz Mahram, PhD

Ferdosi University

دکتر بهروز مهram

دانشگاه فردوسی

دکتر امیر امین یزدی

دانشگاه فردوسی

Abstract

This research studied the relationship between marital adjustment and relationship standards (i.e., beliefs about how the relationship between two spouses should be). 50 female high school teachers and their husbands in Mashad district completed Baucom and Epstein's Inventory of Specific Relationship Standards (ISRS) and the Spanier's Dyadic Adjustment Scale (DAS). The correlation between the relationship-focused standards in the three major dimensions of marital functioning (boundaries, power, and investment), and marital adjustment was significant. Also, satisfaction from meeting relationship standards was significantly related to marital adjustment. The results suggested no significant correlation between emotional responses to unmet standards and marital adjustment. The relationship standards predicted 25% of marital adjustment. The results of the stepwise regression technique showed that the expressive investment was the only standard that significantly predicted marital adjustment and accounted for 24.6% of variance of marital adjustment. Differences between spouse's standards also were related to marital adjustment.

Key words : marital adjustment, relationship standards, boundaries, power, investment.

چکیده

در این پژوهش، رابطه معیارهای ارتباطی (باورها در مورد اینکه روابط فرد و همسرش، چگونه باید باشد) با سازگاری زناشویی بررسی شد. متغیرهای پژوهش با پرسشنامه معیارهای ارتباطی ویژه (ISRS) و سازگاری زناشویی با مقیاس سازگاری دو نفره (DAS) مورد ارزیابی قرار گرفتند. جامعه پژوهش، دبیران زن دبیرستانهای ناحیه ۳ مشهد و همسرانشان بودند. در مجموع ۱۰۰ نفر (۵۰ زوج) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از ۱۰ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج تحقیق با روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه (همزمان و گام به گام) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که معیارهای ارتباطی رابطه‌مدار در سه حیطه مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری و همچنین رضایت از برآورده شدن معیارهای ارتباطی در رابطه زناشویی، با سازگاری زناشویی مرتبط بود. بین میزان ناراحتی افراد از برآورده نشدن معیارهایشان با سازگاری زناشویی رابطه معنادار مشاهده نشد. همچنین معیارهای ارتباطی افراد در مجموع ۲۵٪ از واریانس سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که معیار سرمایه‌گذاری بیانی به تنهایی سازگاری زناشویی را به صورت معنادار پیش‌بینی و ۲۴/۶٪ از واریانس آن را توجیه کرد. تفاوت معیارهای ارتباطی زوجها با میانگین سازگاری زناشویی رابطه معنادار و منفی داشت.

واژه‌های کلیدی : سازگاری زناشویی، معیارهای ارتباطی، مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری.

All Correspondence to Hoda Barazandeh:

lhodal2001@yahoo.com

Dr Ali sahebi : asahebi@gmail.com

مقدمه

انجامیده است (نقل از روزنامه کیهان، ۸۴/۸/۲۹). اگرچه در نوشتارهای پژوهشی - بالینی مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی عوامل متعددی از جمله: صمیمیت، مهارتهای ارتباطی، استقلال، ساختار شخصیت، رضایت‌مندی جنسی، پیوند عاطفی، سبکهای دلبستگی، مهارت حل تعارض و عوامل اجتماعی دیگر مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند اما همانطور که دیکز^{۱۷} (۱۹۵۳) اشاره می‌کند، زوج درمانگران از زمانهای گذشته بر اهمیت عوامل شناختی از جمله انتظاراتها و تفسیرها در شکل‌گیری، تداوم و تسکین روابط ناکارآمد و قفوف داشته‌اند و نیاز به چالش با انتظارات غیرواقع‌بینانه و جهت‌دهی مجدد به ارتباطها بر مبنای انتظارات منطقی، بحثی است که زوج درمانگران با روی‌آوردهای مختلف با آن موافقت (وایل^{۱۸}، ۱۹۸۱؛ نقل از فینچام، بردبوری و بیچ، ۱۹۹۰).

شواهد روزافزونی نشان می‌دهند که چگونه شیوه ادراک، تفسیر و ارزیابی زوجها از یکدیگر و از روابطشان می‌تواند بر کیفیت ارتباطی آنان مؤثر واقع شود (اپسین، ۲۰۰۲). براساس نظریه‌های شناختی بک^{۱۹} (۱۹۷۶) و آلیس^{۲۰} (۱۹۶۲) در مورد رفتار سازش نایافته، ۵ طبقه از پدیده‌های شناختی، نقش مهمی در پدیدآیی و تداوم نابهنجاری زناشویی دارند. در همین راستا، برای دستیابی به یک روی‌آورد نظامدار پنج نوع مؤلفه شناختی را در زوجها، بررسی کرده‌اند (بوکام^{۲۱}، سبیرز^{۲۲} و شر^{۲۳}، ۱۹۸۹). این دسته‌بندی مبتنی بر مرور ادبیات پژوهش تجربی، بالینی و نظری شناختی اجتماعی است (نقل از فیسک و تایلور، ۱۹۹۱).

این پنج مؤلفه عبارتند از:

- ۱- توجه انتخابی^{۲۴}: تمرکز بر برخی از جنبه‌های ارتباطی و رفتار همسر.
- ۲- اسنادها^{۲۵}: تفسیر و سبک اسنادی معین برای وقایع زناشویی و رفتار همسر.

درصد بسیاری از افراد در مرحله‌ای از زندگی با ازدواج وارد روابط دو نفره صمیمانه می‌شوند. در کشورهای غربی بیش از ۹۰٪ جمعیت تا ۵۰ سالگی ازدواج می‌کنند (گیلبرت - لانوتین^۱، مونیر^۲، ۱۹۹۲؛ مک‌دونالد^۳، ۱۹۹۵؛ نقل از هالفورد^۴، ۱۳۸۴). تقریباً اغلب زوجهایی که ازدواج می‌کنند در آغاز زندگی دارای سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند (مارکمن^۵ و هالوگ^۶، ۱۹۹۳؛ نقل از هالفورد، ۱۳۸۴). متأسفانه رضایت از رابطه در طی زمان و در بسیاری از زوجها کاهش می‌یابد (برادبری، ۱۹۹۸). معتبرترین شاخص آشفستگی زناشویی، طلاق است. در حدود ۵۵٪ ازدواجها در آمریکا، ۴۲٪ در انگلیس و ۳۷٪ در آلمان به طلاق منجر می‌شوند (گیلبرت - لانوتون و مونیرف ۱۹۹۲؛ نقل از هالفورد، ۱۳۸۴). نرخ طلاق فقط نشان‌دهنده مشکلات ارتباطی یک بخش از جمعیت کل زوجها است در حالی که بسیاری از زوجها به رغم وجود مشکلات ارتباطی به زندگی در کنار هم ادامه می‌دهند (همین^۷، ویس^۸، ۱۹۹۷؛ اولیری^۹ و بیچ^{۱۰}، ۱۹۸۴؛ نقل از هالفورد، ۱۳۸۴). اکثر افراد واجد مشکلات ارتباطی تنیدگی^{۱۱} شدیدی را تجربه می‌کنند. در حقیقت بعد از مرگ ناگهانی در خانواده، نابسامانی زناشویی و طلاق از مهمترین عوامل تنیدگی^{۱۲} هستند (بلوم^{۱۳}، آشر^{۱۴} و وایت^{۱۵}، ۱۹۸۷). در ایران طبق آمار سازمان ثبت اسناد کشور (۱۳۸۴)، آمار ازدواج در سال ۱۳۸۲، ۶۸۱۰۳۴ مورد و در همان سال آمار طلاق ۷۲۳۵۹ مورد بوده است. یعنی تقریباً به ازاء هر ۹ مورد ازدواج، یک مورد طلاق در سراسر کشور صورت گرفته است (سایت اینترنتی سازمان ثبت احوال و اسناد کشور^{۱۶}، ۸۴/۷/۴). به گفته معاون آسیب‌دیدگان اجتماعی بهزیستی، میانگین طلاق در استان تهران دو برابر میانگین کشوری است و در سال ۱۳۸۴ یک پنجم ازدواجها در تهران به طلاق

1. Guilbert-Lanotine, C.	8. Weiss, R. L.	15. White, S. W.	22. Sayers, S.
2. Moniner, A.	9. Oleary, K. D.	16. www.nocrit.com	23. Sher, T. G.
3. McDonald, P.	10. Beach, S. R. H.	17. Dicks, H.	24. selective attention
4. Halford, W. K.	11. stress	18. While, D. B.	25. attributions
5. Markman, H. J.	12. stressor	19. Beck, A. T.	
6. Hahlweg, K.	13. Bloom, B.	20. Ellis, A.	
7. Heyman, M. S.	14. Asher, S. J.	21. Baucom, D. H.	

تنوع فرهنگی در نقشهای زناشویی بر باورهای اساسی فرد درباره ویژگیهای ارتباطی زناشویی مؤثر است. و فقدان دانش درباره چنین تأثیری زوج درمانگران را در زمینه سنجش مداخله‌های مبتنی بر فرهنگ محدود می‌کند (اپستین و دیگران، ۲۰۰۵). بنابراین هدف این پژوهش، مطالعه رابطه معیارهای ارتباطی و سازگاری زناشویی در زوجهای ایرانی است.

در این مطالعه، معیارهای ارتباطی در سه حیطه مهم کارکرد زناشویی - مرزها، قدرت و سرمایه‌گذاری در مدنظر قرار می‌گیرند؛ زوجها این حیطه‌ها را به صورت آشکار یا پنهان حایز اهمیت می‌دانند و در ادبیات پژوهشهای بالینی، نظری و تجربی در مورد ازدواج، نیز این سه حیطه، به عنوان حیطه‌های اصلی روابط صمیمانه مطرح‌اند و نه تنها در چهارچوب شناختی - رفتاری، بلکه در روی‌آوردهای نظری متفاوت، به فهم و درمان مشکلات روابط صمیمانه کمک می‌کنند. بنابراین، هدف این پژوهش، فراهم‌آوردن اطلاعات در زمینه معیارهای همسران است که می‌توان آنها را هدف مداخله‌ها و تعدیلهای شناختی - رفتاری قرار داد (بوکام، اپستین، رنکین و برنت، ۱۹۹۶).

مرزها: نخستین حیطه ارتباطی، مرزهایی است که زوجها آنها را مناسب می‌دانند؛ مرزها شامل میزان کارکرد مستقل در برابر میزان مشارکت بین همسران است (برای مثال ساعتی را که با یکدیگر می‌گذرانند، میزان خود افشاگری، میزان فعالیتها و رغبتهای مشترک). بنابراین، همسرانی که به داشتن مرزهای مستحکم بین شخصی اعتقاد دارند، به کارکرد مستقل علاقه‌مندند. در حالی که افرادی که به مرزهای سست اعتقاد دارند، خواستار وابستگی و پیوند بین شخصی بیشتری در دامنه‌های متنوع کارکرد روزانه‌شان هستند. این تعریف با مفهوم‌سازی ساختاری مینوچین^{۱۳} (۱۹۷۴) از کارکرد خانواده همخوانی دارد. از دیدگاه این مؤلف، رابطه زناشویی سالم نیازمند مرزهای نفوذپذیر بین همسران است ولی چنانچه مرزهای بین همسران بسیار مستحکم یا بسیار سست باشد، امکان

۳- انتظاراتها^۱: پیش‌بینی درباره آینده رابطه و حیطه‌های خاص رابطه زناشویی.

۴- مفروضه‌ها^۲: باورهایی در مورد واقعیت و کارکرد رابطه (برای مثال زوجها چگونه رفتار می‌کنند؟)

۵- معیارهای ذهنی: باورهایی در مورد اینکه روابط فرد و همسرش چگونه باید باشد.

نیسبت^۳ و راس^۴ (۱۹۸۰) و سیلر^۵ (۱۹۸۴) مؤلفه‌های شناختی را «ساختهای شناختی»^۶ و «ساختهای دانش»^۷ یا «روان‌بنه‌ها»^۸ نامیده‌اند که تجسمهای درونی‌سازی^۹ شده اصول و قواعد زندگی در افرادند. از طریق این اصول و قواعد است که افراد می‌توانند اشخاص و رویدادها را طبقه‌بندی کرده، مشکلات را حل نموده، میزان جایز و مناسب بودن هر واقعه را ارزیابی کنند (نقل از بوکام، اپستین، سی‌برز و شر، ۱۹۸۹). پژوهشگران متعددی (مانند بوکام و اپستین^{۱۰}، ۱۹۹۳؛ فینچام^{۱۱} و بیچ، ۱۹۹۹؛ نولر^{۱۲}، ۱۹۹۷)، شواهدی را در تأیید پنج مؤلفه شناختی که توسط بوکام (۱۹۸۹) شناسایی شده‌اند و بر سطح رضایتمندی همسران از روابطشان و بر میزان ارتباط و گفتگوی زوجها با یکدیگر، چه به شکل مثبت و چه منفی، تأثیر می‌گذارند، فراهم کرده‌اند (نقل از اپستین، چن و بی در - کامچو، ۲۰۰۵). هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش معیارها در روابط بین زوجهاست. معیارها شامل ملاکهایی هستند که به اعتقاد فرد و همسرش، رابطه زناشویی‌شان «باید» داشته باشد. حجم قابل ملاحظه‌ای از پژوهشها بر اهمیت سنجش و مداخله در زمینه معیارهای ارتباطی تأکید (مانند اپستین و بوکام، ۲۰۰۲) و روشهایی را برای اندازه‌گیری و اصلاح معیارهای مرتبط با مشکلات زناشویی ارائه کرده‌اند. اما در مورد امکان تعمیم معیارهای ارتباطی به گروههای فرهنگی، اطلاعاتی اندکی در دست است. با توجه به این نکته، ساختهای شناختی افراد تحت تأثیر تجربه‌های زندگی با خانواده اصلی و فرهنگ فرد ساخته می‌شوند، کمبود مطالعات بین فرهنگی در این زمینه به چشم می‌خورد.

1. expectancies
2. assumptions
3. Nisbett, R.
4. Ross, L.

5. Selier, T. B.
6. cognitive structures
7. knowledge structures
8. schemata

9. internalized representations
10. Epstein, N. B.
11. Fincham, E. D.
12. Noller, P. B.
13. Minuchin, S.

در رابطه زناشویی از جانب طرفین اعمال شود. سرمایه‌گذاری به میزان مشارکت هر همسر در رابطه اشاره دارد (رفتارهایی که کیفیت ازدواج را ارتقا می‌دهند یا از رابطه پشتیبانی می‌کنند). بررسیهای تجربی از الگوی مبادله اجتماعی^{۱۳} در مورد ازدواج، حمایت کرده‌اند (تایبوت^{۱۴} و کلی^{۱۵}، ۱۹۵۹ نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶). در این الگو، رضایتمندی ارتباطی با رفتارهای مثبت و منفی عاطفی و عملی‌ای که بین همسران رد و بدل می‌شود، همبستگی دارد (بوکام، اپستین، ۱۹۹۰ نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

در مطالعه‌ای که بوکام و دیگران (۱۹۹۶) انجام دادند، معیارهای ارتباطی هر دو جنس، با نمره‌های سازگاری زناشویی همبستگی داشت. به عبارت دیگر، هر اندازه معیارهای ارتباطی رابطه‌مدارتر باشند، سازگاری زناشویی بیشتر است. همچنین نتیجه پژوهش نشان داد که دانستن معیارهای ارتباطی افراد در پیش‌بینی نتایج مقیاسهای متنوع کارکرد زناشویی، حایز اهمیت است و در هر دو جنس، افزایش نمره‌ها در زمینه برآورده شدن یا نشدن معیارهای ارتباطی، قابلیت پیش‌بینی کارکرد زناشویی از طریق معیارهای ارتباطی را به صورت معنادار افزایش می‌دهد. در مورد معیارها، زوجهایی که دارای معیارهای رابطه‌مدار هستند یا به عبارت دیگر، رابطه و احترام متقابل زن و شوهر را مهم می‌شمارند، احتمالاً در سایر مقیاسهای کارکرد زناشویی نمره‌های بیشتری به دست می‌آورند. بنابراین به نظر می‌رسد زوجهایی که معیارهای مربوط به مشارکت زیاد و مرزهای اندک بین همسران، تساوی قدرت در بیان حرف آخر به هنگام تصمیم‌گیری و معیارهای مربوط به سطوح بالای سرمایه‌گذاری عملی و عاطفی در ازدواج را دارند، در مقیاسهای کارکرد زناشویی، نمره‌های بالاتری کسب می‌کنند (بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

در مجموع در این مطالعه فرض بر این است که معیارهای رابطه‌مدار در هر یک از حیطه‌های مرزها،

بالموقع تنش و ناکارآمدی به وجود می‌آید. افزون بر این، باس^۱ (۱۹۸۳) بر این باور است که عقاید مبهم و مشکل‌زایی که زوجها در مورد مرزهای مطلوب بین شخصی دارند، ممکن است منجر به تنیدگی زناشویی عمده‌ای شود. مشکلات مربوط به مرزها در روابط ناکارآمد، در سایر روی‌آوردهای نظری در مورد زوج درمانگری و خانواده درمانگری هم مطرح شده است؛ مثل روی‌آورد نمادی - تجربی^۲ روبرتو^۳ (۱۹۹۱). بررسیهای تجربی نشان داده‌اند که سطوح بالاتر سازش‌یافتگی ارتباطی با وابستگی پیوند بیشتر (مرزهای سست‌تر) بین همسران همبستگی دارد (آرگیل^۴ و فورن‌هام^۵، ۱۹۸۳، فیتزپاتریک^۶، ۱۹۸۸، نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

قدرت - مهارگری : این حیطه به معیارهای قدرت - مهارگری که زن و شوهر معتقدند باید طبق آنها عمل کنند، اختصاص داد. بر اهمیت میزان تأثیر هر یک از همسران بر فرایند تصمیم‌گیری و بویژه تصمیم‌گیریهایی که جنبه‌های مختلف زندگی زوجها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تأکید کرده‌اند (بلامبرگ^۷ و کولمن^۸، ۱۹۸۹، استوارت^۹، ۱۹۸۰). افزون بر این، در روی‌آوردهای متفاوت درمانگری مانند خانواده درمانگری راهبردی (مادانز^{۱۰}، ۱۹۹۷) و خانواده درمانگری ساختاری (کولاپینتو^{۱۱}، ۱۹۹۱، مینوچین، ۱۹۷۴)، حیطه قدرت - مهارگری در پویایی روابط صمیمانه اهمیت ویژه‌ای دارد. مقیاس معیارهای ارتباطی اپستین و همکاران (۲۰۰۵) معیارهایی را در خصوص میزان مهارگری که هر یک از همسران باید بر نتیجه تصمیم‌گیری اعمال کنند بررسی کرده است. معیارهای مربوط به حیطه قدرت - مهارگری عبارتند از اعتقاد فرد در مورد میزان انعکاس عقاید و خواسته‌های طرفین در تصمیم‌گیری در مقابل اعتقاد به تسلط دیدگاه‌های او برطرف مقابل (نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

سرمایه‌گذاری : سومین حیطه ارتباطی مربوط به اعتقاد هر همسر به میزان سرمایه‌گذاری‌ای است که باید

- | | | | |
|--------------------------|-----------------------|---------------------------|--------------------|
| 1. Boss, P. G. | 5. Furnham, A. | 9. Stuart, R. B. | 13. Thibaut, G. W. |
| 2. symbolic-experiential | 6. Fitzpatrick, M. A. | 10. Madanes, C. | 14. Kelley, H. H. |
| 3. Roberto, L. G. | 7. Blumberg, P. L. | 11. Colapinto, J. | |
| 4. Argyle, M. | 8. Coleman, M. T. | 12. social exchange model | |

بین میانگین جامعه و میانگین نمونه است، در این مطالعه d ، $4/7$ در نظر گرفته شد. با قراردادن اعداد فوق در فرمول، حجم نمونه $100/17$ محاسبه شد. بنابراین حجم نمونه مورد مطالعه ۱۰۰ نفر تخمین زده شد.

در مجموع ۵۰ زوج به مقیاس سازگاری زناشویی و پرسشنامه و معیارهای ارتباطی پاسخ دادند.

• **مقیاس سازگاری زناشویی**^۲ یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی زوجهایی است که با یکدیگر زندگی می‌کنند. از این ابزار می‌توان برای اندازه‌گیری رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بُعد را می‌سنجد: رضایت دو نفری (میزان رضایت از جنبه‌های مختلف رابطه)، همبستگی دو نفری (میزان شرکت در فعالیتهای مشترک)، توافق دو نفری (میزان توافق طرفین در مسایل مربوط به رابطه زناشویی مانند امور مالی، تربیت فرزندان و ...) و ابراز محبت (ثنایی، ۱۳۷۹).

اعتبار: ضریب آلفای کرونباخ^۳ برای نمره کلی مقیاس، $0/96$ و حاکی از همسانی درونی قابل توجهی است. در پژوهش حسن‌شاهی، نوری و مولوی (۱۳۸۲)، در دبیران شاغل دبیرستانهای شیراز و همسران آنها، با استفاده از آلفای کرونباخ، اعتبار مقیاس سازگاری زن و شوهر، $0/92$ به دست آمده است.

روایی: مقیاس سازگاری زوجها با روشهای منطقی (روایی صوری) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین این مقیاس با قدرت تمیز زوجهای متأهل و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروههای شناخته شده نشان داده است و از روایی همزمان نیز برخوردار است و با «مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس» همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۷۹).

• **پرسشنامه معیارهای ارتباطی ویژه**^۴ (ISRS) یک پرسشنامه ۴۸ گزاره‌ای است که معیارهای زوجها را در مورد روابط زناشویی‌شان می‌سنجد. نسخه ۴۸ گزاره‌ای جدیدترین نسخه پرسشنامه است در هر یک

قدرت، سرمایه‌گذاری عملی و بیانی با سازگاری زناشویی رابطه مستقیم دارد و بر مبنای معیارهای ارتباطی افراد در چهار حیطه فوق می‌توان سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. همچنین فرض بر این است که رضایت افراد از تحقق معیارهایشان در رابطه زناشویی با سازگاری زناشویی مرتبط است. اما از آنجا که در مطالعه بوکام و دیگران (۱۹۹۶) بین میزان ناراحتی افراد از برآورده نشدن معیارهایشان با سازگاری زناشویی رابطه معنادار مشاهده نشده است، این رابطه به صورت سؤال بررسی می‌شود.

روش

روش بررسی در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. در این تحقیق به منظور بررسی رابطه بین معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی از روش همبستگی دو متغیری^۱ و به منظور پیش‌بینی سازگاری زناشویی (متغیر ملاک) از طریق معیارهای ارتباطی (متغیرهای پیش‌بین) از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را دبیران زن ناحیه ۳ مشهد و همسران آنها تشکیل می‌دهند، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از بین ۲۰ دبیرستان دولتی و غیرانتفاعی ناحیه ۳، که در مجموع حدود ۲۰۰ دبیر زن در آنها تدریس می‌کنند، ۱۰ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای به دست آوردن حجم نمونه از فرمول $N = \frac{\delta^2 z^2}{d^2}$ (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹) استفاده شد. در این فرمول δ^2 عبارت است از واریانس جامعه (صاحبی، ۱۳۸۲)، اگر δ^2 از تحقیقات قبلی قابل ردیابی نباشد، می‌توان با گزینش نمونه‌ای کوچک برآوردی از انحراف استاندارد نمونه به دست آورد (دیانی، ۱۳۸۲). در مطالعه مقدماتی ($N = 30$)، واریانس نمونه‌ها $576 = (24)^2$ به دست آمد. Z عبارت است از نمره تعیین‌کننده قسمت پائین‌تر توزیع نمونه‌گیری فرضیه صفر یعنی آلفا، در این مطالعه ($\alpha = 0/05$) در نظر گرفته شد. d میزان تفاوت

1. bivariate correlation
2. Dyadic Adjustment Scale

3. cronbach's alpha
4. Inventory of Specific Relationship Standards

از ۴۸ گزاره سه نوع سؤال مطرح می‌شود :

(الف) معیار واقعی فرد در مورد چگونگی ارتباط زناشویی

(ب) نظر فرد در مورد میزان برآورده شدن معیار مطرح شده در روابط فعلی

(ج) میزان ناراحتی فرد در صورت برآورده نشده معیارها

افزون بر این، معیارهای افراد را در سه حیطه ارتباطی توسط این پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌گیرد: (۱) مرزها، (۲) نتیجه مهارگری و (۳) سرمایه‌گذاری. حیطه سرمایه‌گذاری خود به دو زیر - مقیاس سرمایه‌گذاری عملی و سرمایه - گذاری بیانی تقسیم می‌شود. هر یک از این چهار زیر - مقیاس ۱۲ گزاره دارد.

پرسشنامه به گونه‌ای نمره‌گذاری می‌شود که برای هر فرد نمره‌های زیر - مقیاس مرزها، مهارگری، سرمایه - گذاری عملی و سرمایه‌گذاری بیانی به دست می‌آید، همچنین نمره رضایتمندی فرد در هر یک از این چهار معیار و پاسخ هیجانی فرد به هر یک از آنها، محاسبه می‌شود.

براساس مفهوم‌سازی مقیاس (ISRS)، به هر یک از چهار زیر - مقیاس معیارها می‌توان از زاویه گسترده‌تری نگریست. به عبارت دیگر نمره کلی معیارهای هر زیر - مقیاس، و نمره کلی معیارها، بیانگر «معیارهای رابطه - مدار» اند. نمره بالاتر در هر یک از چهار زیر - مقیاس بیانگر این است که در آن حیطه ارتباطی (برای مثال سرمایه‌گذاری بیانی) فرد بر معیارهایی متمرکز است که بر رابطه زناشویی مؤثرند. بنابراین، از نظر روانشناختی و روانسنجی، به دست‌آوردن نمره کلی «معیارهای رابطه - مدار» حایز اهمیت است. همچنین نمره کلی رضایت از برآورده شدن معیارها و نمره کلی پاسخ هیجانی در صورت برآورده نشدن معیارها محاسبه می‌شود. در مجموع ۱۵ نمره به دست می‌آید. چهار نمره مربوط به زیر - مقیاسهای معیارهای واقعی ارتباطی، چهار نمره مربوط به میزان رضایتمندی از برآورده شدن معیارها در هر یک از زیر - مقیاسها، چهار نمره مربوط به میزان

ناراحتی در صورت برآورده نشدن معیارها در هر یک از زیر - مقیاسها و سه نمره کلی معیارها (معیارهای رابطه‌مدار) رضایتمندی و واکنش هیجانی. گزاره‌های مختلف، شیوه نمره‌گذاری متفاوتی دارند، برخی از گزاره‌ها در مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای، برخی در مقیاس لیکرت چهار گزینه‌ای و بعضی به صورت بلی - خیر نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل بین ۰ تا ۱۵۱ است و هر اندازه بالاتر باشد، معیارهای رابطه‌مدار بیشترند.

اعتبار : در مطالعه بوکام و دیگران (۱۹۹۶)، آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاسهای ISRS از ۰/۶۵ تا ۰/۷۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، اعتبار هر یک از زیر - مقیاسها و اعتبار کل پرسشنامه در نمونه مورد بررسی، از طریق آلفای کرونباخ به شرح زیر به دست آمد (N = ۱۰۰).

جدول ۱: همسانی درونی زیر مقیاسهای پرسشنامه

معیارهای ارتباطی ویژه

زیر مقیاسهای ISRS	آلفای کرونباخ
مرزها	۰/۹۰
قدرت - مهارگری	۰/۹۱
سرمایه‌گذاری عملی	۰/۸۳
سرمایه‌گذاری بیانی	۰/۸۷
نمره کل	۰/۹۶

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود هر یک از زیر - مقیاسهای ISRS و نمره کل پرسشنامه از همسانی درونی بالایی برخوردارند.

روایی : پژوهش بوکام و دیگران (۱۹۹۶)، نشان داد که هر یک از سه سؤالی که در هر گزاره مطرح شده، اطلاعات متفاوتی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. لذا سه نوع نتیجه حاصل از این پرسشنامه از روایی افتراقی^۱ برخوردار است.

در این پژوهش تحلیل عاملی برای بررسی روایی مؤلفه‌های اصلی آزمون انجام گرفت، معیارهای ارتباطی

تفاوت معیارهای ارتباطی زنان و شوهران با میانگین سازگاری زناشویی هر دو زوج، معنادار و منفی است (جدول ۳).

جدول ۳: همبستگی میزان تفاوت معیارهای همسران با میانگین سازگاری زناشویی هر دو زوج

میانگین سازگاری زناشویی زوجها
تفاوت معیارهای ارتباطی زنان و شوهران = 0.331^* همبستگی

$$p < 0.05^*$$

اما بررسی ارتباط بین واکنش هیجانی (میزان ناراحتی) نسبت به برآورده نشدن معیارها و سازگاری زناشویی مردان و زنان نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مورد نظر است (جدول ۴).

جدول ۴: همبستگی میزان ناراحتی از برآورده نشدن معیارها با سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	
در حیطه مرزها	همبستگی = 0.042
	سطح معناداری = 0.677
در حیطه قدرت	همبستگی = 0.033
	سطح معناداری = 0.742
در حیطه سرمایه‌گذاری عملی	همبستگی = 0.016
	سطح معناداری = 0.877
در حیطه سرمایه‌گذاری بیانی	همبستگی = 0.075
	سطح معناداری = 0.461
در کل معیارها	همبستگی = 0.006
	سطح معناداری = 0.952

چهارگانه مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری عملی و سرمایه‌گذاری بیانی، روی هم 54% از واریانسهای پرسشنامه (بار عاملی) را تبیین کردند، دو عامل رضایت از برآورده شدن معیارها و واکنش هیجانی، 35% از واریانسهای پرسشنامه (بار عاملی) را تبیین کرد (صاحبی، صادقی و برازنده، زیر چاپ).

یافته‌ها

نتایج حاصل نشان می‌دهند که بین رابطه‌مداربودن معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بررسی رابطه بین معیارهای رابطه‌مدار در چهار حیطه مرزها، قدرت و سرمایه‌گذاری عملی و بیانی با سازگاری زناشویی مبین این است که معیارهای مربوط به مرزها، معیارهای ارتباطی مربوط به تساوی قدرت، معیارهای مربوط به سرمایه‌گذاری عملی، معیارهای ارتباطی مربوط به سرمایه‌گذاری بیانی و رضایت از برآورده شدن معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معنادارند (جدول ۲)، در حالی که

جدول ۲: همبستگی کلیه معیارهای ارتباطی و معیارهای مرز، قدرت، سرمایه‌گذاری عملی و بیانی و رضایت از برآورده شدن معیارها با سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	
میزان رابطه‌مداربودن کلیه معیارهای ارتباطی	0.474^{**}
حیطه مرزها	0.449^{**}
حیطه قدرت	0.396^{**}
حیطه سرمایه‌گذاری عملی	0.384^{**}
حیطه سرمایه‌گذاری بیانی	0.504^{**}
رضایت از برآورده شدن کل معیارهای ارتباطی	0.739^{**}

$$p < 0.01^{**}$$

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی از طریق چهار معیار ارتباطی

خطای معیار	r^2	r	سطح معناداری	F	میانگین مجذورها	درجه آزادی	مجموع مجذورها	رگرسیون
	0.282	0.531	0.000	9.333	$31683/605$	۴	$7306/187$	
					$1622/671$	۹۵	$18592/403$	باقیمانده

عملی)، به طور معناداری به توان تحلیل کمک می‌کنند، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. در این مدل معیار سرمایه‌گذاری بیانی - که بیشترین همبستگی را با سازگاری زناشویی داشت - ابتدا و بعد سایر معیارها به ترتیب میزان همبستگی‌شان با متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۶، ۷ و ۸).

نتایج تحلیل رگرسیون نیز مبین این نکته است که ۲۵/۲٪ واریانس در سازگاری زناشویی را می‌توان بر مبنای چهار متغیر (معیارهای ارتباطی در حیطهٔ مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری عملی و بیانی پیش‌بینی کرد (جدول ۵). به منظور بررسی دقیق اینکه کدام یک از چهار معیار فوق (مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری بیانی و سرمایه‌گذاری

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس در بررسی معناداری رگرسیون گام به گام

مدل	مجموع مجذورها	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معناداری
۱	۶۵۷۲/۳۲۸	۱	۶۵۷۲/۳۲۸	۳۳/۳۳	۰/۰۰۰

جدول ۷: ضرایب رگرسیون در رگرسیون گام به گام

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	معناداری
	B	انحراف معیار			
سرمایه‌گذاری بیانی	۱/۱۴۹	۰/۱۹۹	۰/۵۰۴	۵/۷۷۳	۰/۰۰۰

دو جنبه‌ای که زوجها به آن متعهد می‌شوند، شکل خاص و ویژه‌ای ندارد، بلکه بالعکس افراد شیوه‌های بسیار متنوعی را برای تنظیم روابط دو جانبه، مناسب می‌بینند. برآورده شدن معیارهای خاص افراد به رضایتمندی ارتباطی منجر می‌شود. بنابراین، برای زوج - درمانگران، فهم و شناخت معیارها و باورهای هر همسر درباره چگونگی یک رابطهٔ صمیمانه و همچنین میزان تحقق این معیارها در رابطه متقابل، بسیار حایز اهمیت‌اند (اپستین، ۲۰۰۲). معیارهای رابطه‌مدار در حیطهٔ مرزها، قدرت و سرمایه‌گذاری عملی و بیانی، با سازگاری زناشویی همبستگی معنادار (حدوداً ۵۰٪) داشت و ۲۵٪ از سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کرد. این یافته حاکی از آن است که معیارهای ارتباطی در روابط زوجها حایز اهمیت‌اند. معیارهای افراد از منابع مختلفی مانند تجربه‌های خانوادهٔ اصلی، شبکه‌های ارتباط جمعی، مذهب و همسالان سرچشمه می‌گیرند. زندگی خانوادگی به شکل‌گیری باورهایی در خصوص چگونگی رفتار، تعامل، پایبندی به آداب و رسوم و ... منجر می‌شود. اپستین معتقد است در کل افراد متأهل هنگامی که معیارهای معطوف به رابطه دارند، دارای روابط خشنودکننده

جدول ۸: مقدار t و معناداری متغیرهای حذف شده از مدل رگرسیون

متغیرهای حذف شده مدل	t	معناداری
مرزها	۱/۰۵۵	۰/۲۹۴
قدرت	۰/۲۱۰	۰/۸۳۴
سرمایه‌گذاری عملی	-۱/۰۸۲	۰/۲۸۲

از آنجا که معیارهای مرزها، قدرت و سرمایه‌گذاری عملی افزایش معناداری در توان پیش‌بینی مدل رگرسیون ایجاد نکردند، از مدل حذف شده‌اند. لذا مدل نهایی به دست آمده فقط شامل معیار سرمایه‌گذاری بیانی است، برای اطمینان بیشتر از اثر این متغیر یکبار دیگر به عنوان آخرین متغیر در مدل وارد شد که این متغیر تنها متغیری بود که سازگاری زناشویی را به صورت معناداری پیش‌بینی و ۲۴/۶٪ از واریانس را توجیه می‌کرد.

بحث

نتایج پژوهش حاکی از آن است که رضایت افراد از برآورده شدن معیارهای ارتباطی در کلیهٔ حیطه‌های ارتباطی (مرزها، قدرت، سرمایه‌گذاری بیانی و سرمایه‌گذاری عملی) بیشترین همبستگی را با سازگاری زناشویی دارد. روابط

مختلفی سنجیده‌اند. در مجموع، مطالعات در زمینه توزیع قدرت و سازگاری زناشویی به دو نتیجه منتهی شده‌اند:

(۱) مشارکت در قدرت و الگوی تساوی قدرت، بالاترین سطح همبستگی را با سازگاری زناشویی دارد.

(۲) الگوی رهبری زن در مقایسه با رهبری مرد و تساوی قدرت، دارای کمترین همبستگی با رضایتمندی زناشویی است (بلود^۳ و ولف^۴، ۱۹۶۰، گری لیتل و بورکز^۵، ۱۹۸۳، نقل از گری لیتل، بوکام و هامبی، ۱۹۹۶). تفسیری که می‌توان در مورد رابطه رضایتمندی زناشویی با تساوی قدرت ارائه داد، این است که در این الگو توزیع قدرت با عقاید زن و شوهر مبنی بر برابری حق طرفین، همخوانی دارد. همچنین این الگو انعطاف‌پذیری بیشتری را برای طرفین رابطه ایجاد می‌کند. محققان نشان داده‌اند زوجهایی که از الگوی تساوی قدرت تبعیت می‌کنند نسبت به آنهایی که از الگوی قدرت یکی از طرفین پیروی می‌کنند؛ در خصوص توزیع قدرت با یکدیگر توافق بیشتری دارند. افزون بر این، میزان خشونت در رابطه چنین زوجهایی به حداقل می‌رسد (کولمن^۶ و استراوس^۷، ۱۹۸۶، هامبی و گری لیتل، ۱۹۹۴، نقل از گری لیتل و دیگران، ۱۹۹۶). کولمن و استراوس (۱۹۸۶)، نقل از گری لیتل و دیگران، ۱۹۹۶) به این نتیجه رسیده‌اند که در هر دو شکل توزیع یک طرفه قدرت (رهبری مرد یا رهبری زن)، در مقایسه با الگوی تعادل قدرت، عدم توافق و خشونت بیشتری وجود دارد. بر مبنای نظریه دلبستگی، افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند؛ تلاش می‌کنند تا رفتار همسرشان را مهار کنند تا او مجبور باشد که واکنشهای حمایت‌گرایانه نشان دهد (کوباک^۸، راک دسچل^۹ و هازان^{۱۰}، ۱۹۹۴، نقل از اپستین، ۲۰۰۲) گلسر^{۱۱} (۲۰۰۰) نیز در حیطه زوج درمانگری رفتار مهارگری را خصلت ویرانگر زندگیهای مشترک می‌داند. و معتقد است که در اشکال مختلف ارتباطی هر کس صرفاً می‌تواند خود را تغییر دهد و نه هیچکس دیگر را (گلسر، ۲۰۰۰/۱۳۸۴).

و رضایتبخش‌تری هستند. این سخن بدین معناست که اگر زن و مرد به نزدیکی و مشارکت بیشتری اعتقاد داشته باشند، مرزهای بین آنها کم‌رنگتر باشد، در حیطه قدرت؛ به حل مشکلات و مسایل با تساوی حق اظهار نظر طرفین نایل شوند و همچنین بر این باور باشند که در رابطه زناشویی، سرمایه‌گذاری عملی و عاطفی و بیانی ضروری است روابط آنها به مراتب بهتر خواهد شد (بوکام، اپستین، دیتو و کارلز، ۱۹۹۶، نقل از اپستین، ۲۰۰۲). بوکام و دیگران (۱۹۹۶) به توصیف ویژگیهای رفتاری زوجهایی که مرزهای اندکی بین خود دارند، پرداخته‌اند؛ تعاملها و ارتباطهای باز و آشکار در مورد افکار و عواطف شخصی، فعالیتها و صرف اوقات مشترک، در میان گذاشتن عقاید و ارزشها و رفتارهای غیر کلامی روزمره مثل نزدیکی جسمانی، تماس چشمی، حرکتها و رفتارهای راحت و آشکار در مقایسه با رفتارهای محتاطانه و مخفیانه، رفتارهایی هستند که میزان نزدیکی و دوری طرفین رابطه از یکدیگر را مشخص می‌کنند. اگرچه رفتارهای کلامی و غیر کلامی فوق، مرزهای بین طرفین رابطه را کم‌رنگ‌تر می‌سازند و به برآورده شدن نیازهای مشترک منجر می‌شوند، اما از سوی دیگر فقدان مرز بین همسران نیز منجر به درگیری بیش از حد طرفین شده و با نیازهای شخصی آنها تداخل می‌کند (اپستین، ۲۰۰۲). نظریه پردازان دلبستگی بر این باورند که وقتی افراد احساس می‌کنند که مرزهای بین آنها و همسرشان سخت و مستحکم می‌شود، واکنشهای هیجانی مانند اضطراب و خشم را نشان می‌دهند (جانسون^۱ و گرینبرگ^۲، ۱۹۹۴، نقل از اپستین، ۲۰۰۲). مداخله‌های شناختی - رفتاری مختلفی در رابطه با موضوعها و مباحث مرزهای زناشویی وجود دارند، برای مثال، مداخله‌هایی مانند افزایش فعالیتها و مشارکت شادی - بخش، ارتقای مهارتهای بیانی و گوش دادن به افکار و عواطف یکدیگر، حیطه ارتباطی قدرت و مهارگری است. قدرت در روابط زناشویی، به عنوان قابلیت تأثیرگذاری یا مهار رفتار فرد مقابل تعریف شده است و محققان آن را به اشکال

1. Johnson, S. M.
2. Greenberg, L. S.
3. Blood, R. O.

4. Wolfe, D. M.
5. Burks, N.
6. Coleman, D. H.

7. Straus, M. A.
8. Kobak, R.
9. Ruckdeschel, K.

10. Hazan, C.
11. Glasser, W.

دیگران (۲۰۰۳)، تفسیرهایی در این خصوص ارائه شده‌اند: از دیدگاه رفتاری، ویژگی بیانگرایی از طریق رفتارهایی که زوجها در قبال هم انجام می‌دهند (رفتارهای محبت‌آمیز)، بر رضایتمندی زناشویی مؤثر است. این دیدگاه در مقابل دیدگاه شناختی که رضایتمندی زناشویی را ناشی از تأثیر بیانگرایی در ارزیابی ذهنی فرد از همسرش تبیین می‌کند قرار می‌گیرد. اگرچه تبیین‌های شناختی و رفتاری در مطالعات قبلی مجزا از هم در نظر گرفته شده‌اند اما در واقع این دو تبیین مکمل یکدیگرند. در واقع، ویژگی بیانگرایی باعث رفتارهای محبت‌آمیز زوجها، ادراک و برداشتهای ذهنی مطلوب و خوشایند آنها از یکدیگر می‌شود. نتایج مطالعه اخیر با مطالعه اپستین (۱۹۹۶)، در مورد عدم وجود رابطه بین واکنش هیجانی و سازگاری زناشویی همخوانی دارد. شاید علت فقدان چنین رابطه‌ای این است که پاسخ هیجانی به‌خودی خود، متغیر اصلی نیست، بلکه نحوه برخورد با هیجانها حایز اهمیت است. افرادی که در رابطه زناشویی به شدت سرمایه‌گذاری می‌کنند، احتمالاً وقتی رابطه مطابق میلشان نباشد، ناراحت می‌شوند. این ناراحتی در برخی از آنان منجر به تلاشهای سازنده‌تری به منظور ارتقای کیفیت رابطه می‌شود. از سوی دیگر، برخی دیگر از این افراد، به شیوه‌های مخربی روی می‌آورند و همسرشان را مورد حمله و اتهام قرار می‌دهند. در نتیجه شیوه‌ای که فرد نسبت به ناراحتی خود واکنش نشان می‌دهد در سازگاری زناشویی مؤثر واقع می‌شود (نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

مطالعه بوکام، اپستین، دیتو^{۱۱}، کارلز^{۱۲}، رانکین و بورنت (۱۹۹۶) نشان داد که برآورده نشدن معیارهای ارتباطی با واکنش رفتاری فعال و مخرب یعنی رفتارهای آسیب‌زننده‌ای که فاصله زوجها را افزایش می‌دهند، همبستگی دارد. با توجه به اینکه برآورده نشدن معیارها با واکنش رفتاری افراد پیوند دارد، بهتر است زن و شوهر از دیدگاهها و معیارهای یکدیگر مطلع باشند و در

آنچه در یافته‌های پژوهش حاضر حایز اهمیت است این است که از بین معیارهای ارتباطی، معیار افراد در خصوص سرمایه‌گذاری بیانی در رابطه مهمترین متغیر پیش‌بینی سازگاری زناشویی شناخته شد و بیشترین میزان واریانس سازگاری زناشویی را توجیه کرد. همچنین، تفاوت معیارهای همسران در سرمایه‌گذاری بیانی با سازگاری زناشویی رابطه داشت، در حالی که با سرمایه‌گذاری عملی رابطه نداشت. در مجموع، یافته‌های اخیر نشان می‌دهند که در حیطه سرمایه‌گذاری در رابطه، مهمترین مؤلفه، سرمایه‌گذاری عاطفی و ابزاری است. پژوهشهای مختلف نشان داده‌اند که رگه بیانگرا بودن که گرایشی فردی به نشان دادن ویژگیهای زنانه مانند مهربانی، ملایمت^۱ و درک^۲ کردن است، با رضایتمندی زناشویی رابطه دارد (بوکام و آیکن^۳، ۱۹۸۴، کرداک^۴ و اسمیت^۵، ۱۹۸۶ نقل از میلر، کاولین و هاوستون، ۲۰۰۳). اگرچه این رگه ابتدا تحت عنوان زنانگی^۶ نامیده شده بود، بعدها نام آن تغییر کرد تا مشخص شود که این ویژگی به مؤلفه‌های شخصیتی گسترده‌تری اشاره دارد نه به جنبه‌های قالبی رفتار زنانه مانند توجه به ظاهر جسمانی، پوشاک و ... (اسپنس^۷، ۱۹۸۴، نقل از میلر و دیگران، ۲۰۰۳). یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگیهایی که به صورت قالبی به منزله ویژگیهای مثبت زنانه در نظر گرفته شده‌اند، هم برای مردان و هم برای زنان حایز اهمیت‌اند. افزون بر این، محققان (آنتیل^۸، ۱۹۸۳، برگر^۹ و جکسون^{۱۰}، ۱۹۷۹، نقل از میلر و دیگران ۲۰۰۳) نشان داده‌اند که وجود چنین ویژگیهایی در افراد باعث افزایش شادمانی و رضایتمندی زناشویی می‌شود. این یافته‌ها، پژوهشگران را به این نتیجه سوق داده‌اند که ویژگی بیانگرایی در هر جنس، «مهمترین مؤلفه رابطه زناشویی شادی‌بخش» محسوب می‌شود (آنتیل، ۱۹۸۳، نقل از میلر و دیگران، ۲۰۰۳). با وجود رابطه قوی سازگاری زناشویی با بیانگرایی، درباره فرایندهای زیربنایی این رابطه اطلاعات زیادی در دست نیست، اما در مطالعه میلر و

1. gentleness
2. understanding
3. Aiken, P. A.

4. Kurdek, L. A.
5. Schmitt, J. P.
6. femininity

7. Spence, J. T.
8. Antill, J. K.
9. Burger, A. L.

10. Jacobson, N. S.
11. Daiuto, A. D.
12. Carles, R. A.

هالفورد، ک. (۱۳۸۴). زوج درمانی کوتاه مدت. ترجمه م. تبریزی، م. کاردانی و ف. جعفری، ف. تهران، نشر فراوان (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).

Baucom, D. H., Epstein, N. B., Rankin, L. A., & Burnett, Ch. K. (1996). Assessing relationship standard : The inventory of specific relationship standards. *Journal of Family Psychology, 10 (1)*, 72-88.

Baucom, D. H. & Epstein, N. B. & Sayer, T., Sher, T. (1989). The role of cognitions in marital relationships : definitinal, methodological and conceptual issues. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 57 (1)*, 31-38.

Baucom, D. H., Epstein, A. D., Carles, R. A., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Cognitions in Marriage : The Relationship Between Standards and Attributions. *Journal of Family Psychology, 10 (2)*, 209-222.

Bloom, B., Asher, S. J., & White, S. W. (1987). Marital disruption as stressor : A review and analysis. *Psychological Bulletin, 85*, 867-894.

Bradbury, T. N. (1998). *The developmental course of marital dysfunction*. New York : Cambridge university press.

Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder - Kamjou, I. (2005). Relationship Standards and Marital Satisfaction in Chinese and American Couples. *Journal of Marital and Family Therapy*. Retrieved April 22, 2005, from : <http://www.findarticles.com>

Epstein, N. B. (2000). *Enhanced Cognitive-behavioral therapy for couples : A contextual approach*. New York.

Fincham, F. D., Bradbury, T. N., & Beach, S. R. H. (1990). To arrive where we began : A re-appraisal of cognition in marriage and marital therapy. *Journal of Family Psychology, 4 (2)*, 167-184.

گفتگوها و مبادله‌های دو طرفه در مورد آنها به بحث و تبادل نظر بپردازند و شیوه‌های خلاقانه و جدیدی را برای تحقق معیارهای یکدیگر در رابطه در پیش گیرند. بررسی‌های اپستین (۱۹۹۴، ۱۹۹۸)، نشان دادند که معیارهای ارتباطی نه تنها با کیفیت رابطه زناشویی و رفتارها، بلکه با اسنادها و الگوهای تعاملی زوجها نیز همبسته‌اند. در این پژوهش نیز پیوند معیارهای ارتباطی و سازگاری زناشویی نشان می‌دهد که معیارهای ارتباطی صرفاً آرمانهای ذهنی نیستند، بلکه مؤلفه‌هایی شناختی هستند که از طریق الگوهای تعاملی و رفتارها بر رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارند و کیفیت رابطه زناشویی را ارتقا می‌بخشند (نقل از بوکام و دیگران، ۱۹۹۶).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که در جامعه دبیران دبیرستانها انجام گرفت. با توجه به اینکه دبیران تحصیل کرده‌اند، بهتر است در پژوهش‌های بعدی نمونه‌هایی که معرف طیف وسیعتر جامعه ایرانی هستند، مورد بررسی قرار گیرند. همچنین بررسی رابطه سایر ساخته‌های ارتباطی مانند انتظارات، اسنادها و توجه انتخابی با کیفیت رابطه زناشویی در جامعه ما ضروری می‌نماید.

منابع

ثنائی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران، نشر بعثت.

حسن‌شاهی، م.، نوری، ا. و مولوی، ح. (۱۳۸۲). رابطه بین کانون کنترل و سازگاری زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش (دبیران) شهرستان شیراز. پژوهش‌های روانشناختی، ۷، ۱ و ۲، ۵۱-۶۱.

دیانی، م. (۱۳۸۲). گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی. مشهد، کتابخانه رایانه‌ای.

سرمد، ز.، بازرگان، ع. و حجازی، ا. (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران، نشر آگاه.

صاحبی، ع.، صادقی، ر. و برازنده، ه. (زیر چاپ). اعتباریابی مقیاس معیارهای ارتباطی ویژه.

گلسر، (۱۳۸۴). ازدواج بدون شکست. ترجمه : س. خوش‌نیت نیکو و برازنده، ه. مشهد، نشر محقق، (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).

- diction and prevention of marital distress : An international perspective. *Clinical Psychology Review*, 13, 29-43.
- Miller, P. J. E., Caughlin, J. P., & Huston, T. L. (2003).** Trait expressiveness and marital satisfaction : The role of idealization processes. *Journal of Marriage and the Family*, 65, 978-995.
- Fisk, S. T., & Taylor, S. E. (1991).** *Social cognition* (2nd Ed). New York : McGraw-Hill.
- Gray-Little, B., Baucom, D. H., & Hamby, S. L. (1996).** Marital power, marital adjustment and therapy outcome. *Journal of Family Psychology*, 10 (3), 292-303.
- Markman, H. J., & Hahlweg, K. (1993).** The pre-

